

اقسام معاشرت‌های اجتماعی از نگاه قرآن

کد خبر: ۱۹۲۲۲۴

تاریخ: ۱۴ تیر ۱۳۹۹ - ۲۰:۳۱

فرزاد محمدخانی

انسان‌ها از نظر سنی و علمی متفاوت هستند. در تنظیم روابط اجتماعی با هر یک از آنها باید بر اساس شرایط و مقتضیات سنی و عملی و مانند آن عمل کرد؛ زیرا دور از ادب است که با عالمان و رهبران و استادان چنان کنیم که با فرد عامی و کودکی رفتار می‌کنیم. هر چند که در اخلاق اجتماعی به تفصیل بر این نکته تأکید شده است که فضیلت و کرامت انسانی می‌طلبد که رفتار یکسانی داشته باشیم؛ چرا که هر گونه منش ما می‌طلبد ما رفتار می‌کنیم و با رفتار و کنش‌ها و واکنش‌های خویش در حقیقت شخصیت خویش را به نمایش می‌گذاریم، ولی باید توجه داشت که آداب به نکات و لطایف رفتاری ما توجه دارد. بنابراین باید به گونه‌ای رفتار کنیم که دور از ادب و لطایف نباشد؛ زیرا اگر اخلاق به کلیات توجه دارد، ادب به جزئیات و نکات ریز و جزئی رفتاری ما اشاره می‌کند و می‌کوشد بهترین و کامل‌ترین نوع رفتاری را به ما بیاموزد.

از طرف دیگر قرآن و اسلام به ما می‌آموزد که در برخورد با گروه‌ها و طیف‌های مختلف انسانی و اجتماعی چه برخورد و معاشرتی را متناسب با آن طیف برگزینیم که در مطلب پیش‌رو به این گروه‌های اجتماعی اشاره شده است.

اتمام مکارم اخلاق

در معاشرت اجتماعی

یکی از روایات معتبر و مشهور از پیامبر(ص) بر این نکته تأکید می‌کند که بعثت من برای اتمام مکارم اخلاقی است. آن حضرت(ص) می‌فرماید: انما بعثت لاتمم مکارم الاخلاق و محاسنها؛ من جز برای اتمام مکارم اخلاقی و محاسن آن برانگیخته نشده‌ام. (بحارالانوار، ج ۶۶، ص ۴۰۵؛ و نیز ج ۸۴، ص ۳۲۵، حدیث ۱۴؛ و نیز ج ۱۰۳، ص ۳۲۷)

خداوند نیز پیامبرش را به خلق عظیم می‌ستاید(قلم، آیه ۴) که بیانگر تحقق همه مکارم اخلاقی در تمامیت آن در خود آن حضرت(ص) می‌باشد، بر همین اساس است که ایشان از سوی خداوند به عنوان اسوه حسنه و کامل برای همه بشریت معرفی شده است. (احزاب، آیه ۲۱)

اتمام مکارم اخلاقی به معنای توجه به همه نکات و لطایف ریز اخلاقی است که در اصطلاح از آن به آداب یاد می‌شود. آداب در حقیقت تحقق عینی و عملی فضایل اخلاقی در منش و کنش و واکنش‌های شخص با همه جزئیات و لطائف آن با توجه به مقتضیات و شرایط خود و دیگری است.

بر همین اساس آموزه‌های اسلامی در شکل وحی و روایات، به بیان جزئیات و لطائف معاشرت اجتماعی نیز پرداخته است تا این گونه آداب معاشرت را نیز به مومنان بیاموزد و بهترین و کامل‌ترین شکل معاشرت را با توجه به مخاطب بیان کند.

در آیات قرآن، از مومنان خواسته شده با توجه به شرایط سنی، علمی، جنسی و حتی مسئولیت‌ها و نقش‌های اجتماعی و نیز موقعیت اعتقادی و دوستی و دشمنی افراد، معاشرت داشته باشند. از این رو، معاشرت با کودکان غیر از معاشرت با نوجوانان و جوانان و یا بزرگسالان است؛ چنانکه معاشرت با مردان با معاشرت با زنان متفاوت خواهد بود و همین تفاوت‌ها را نیز می‌توان میان معاشرت با جاهلان و عالمان شناسایی کرد؛ چنانکه معاشرت با دوستان خوب و بد یا خویشان مومن و کافر یا منافق و مانند آن متفاوت است.

خداوند در آیه ۵۴ سوره انعام و ۳۴ فصلت و نیز آیات ۱ تا ۵ سوره حجرات و آیه ۲۲ سوره کهف بیان می‌کند که پیامبر(ص) تحت تعلیم مستقیم خداوند در کیفیت رفتار با مردم بوده است.

در آموزه‌های اسلامی به همه این تفاوت‌ها و ریزه‌کاری‌ها و نکات لطیف و دقیق اشاره شده و از مومنان خواسته شده تا آن را از خدا(نور، آیات ۲۷ و ۲۸) و پیامبر(ص) بیاموزند و به کودکان خویش نیز تعلیم دهند. (نور، آیات ۵۸ و ۵۹؛ لقمان، آیات ۱۷ و ۱۹)

معاشرت میان افراد یک جامعه با توجه به سنخیت و تناسبی است که میان آنان وجود دارد. این همان معنای کیوتر یا کیوتر، باز با باز، کند هم جنس با هم جنس پرواز می‌باشد. از این رو می‌فرماید، کسانی که کافر باشند، با اشخاص اغواگر و متناسب با روحیات و شخصیت خود معاشرت پیدا کرده و بدان‌ها مبتلا می‌شوند. (فصلت، آیه ۲۵؛ و نیز مجمع البیان، ج ۹ و ۱۰، ص ۱۵)

به هر حال، در معاشرت‌های اجتماعی و همنشینی با افراد می‌بایست به آداب آن ملتزم بود تا روابط اجتماعی در سلامت کامل تحقق یابد و افراد از این معاشرت در بهترین شکل از آن بهره‌مند شوند؛ زیرا بهره‌گیری از اتمام مکارم اخلاقی موجب می‌شود تا شخصیت انسانی به سوی ربانی شدن حرکت کند و در این چارچوب شکل گیرد. تأکید قرآن و آموزه‌های اسلام بر آداب معاشرت از آن روست که آثار و تاثیرات مثبت و منفی شگرفی در شخصیت و سرنوشت انسان به جا می‌گذارد. (فصلت، آیه

لزوم توجه به تفاوت‌ها در معاشرت

با توجه به آنچه گفته شد روشن می‌شود که می‌بایست در معاشرت به همه این تفاوت‌ها به عنوان آداب معاشرت توجه داشت؛ زیرا توجه به این تفاوت‌ها افزون بر اینکه شخصیت اجتماعی انسان را بهبود می‌بخشد و سازه‌های شخصیتی او را کامل‌تر می‌سازد، موجب می‌شود تا ارتباط وی با مردم در شکل مناسبی سامان یابد و آثار و برکات آن در زندگی‌اش نمودار شود.

در اینجا به بخشی از تفاوت‌های معاشرتی با گروه‌ها و طبقات سنی و اجتماعی و علمی و مانند آن پرداخته می‌شود تا این معنا روشن شود.

۱. معاشرت با اهل باطل: یکی از آداب معاشرت که در قرآن به آن توجه داده شده است، مبتنی بر اصول اعتقادی است. تفاوت‌های اعتقادی عامل اصلی در تنظیم مناسبات و ارتباطات در اسلام مطرح است؛ زیرا این تفاوت‌ها موجب می‌شود که سبک زندگی افراد از هم متمایز شود. بر این اساس، لازم است که انسان مومن و جامعه ایمانی، روابط خویش را در چارچوب اعتقادات تنظیم کند. قرآن فرمان می‌دهد تا نوع تعامل مومنان با کافران، مشرکان، اهل کتاب و منافقان متفاوت باشد. بر همین اساس هر گونه معاشرت و همنشینی میان مومنان و کافران و اهل باطل نه تنها توصیه نشده بلکه به عنوان معاشرتی ناروا حرام دانسته و از آن بازداشته شده است. (مدثر، آیات ۳۱ تا ۴۵)

۲. معاشرت با اهل کتاب: اهل کتاب به دو دسته عربی و غیر عربی معرفی می‌شوند. روابط میان مومنان و اهل کتاب عربی، ناروا و حرام و وعده آتش دوزخ بدان داده شده است، اما روابط با اهل کتاب غیر عربی می‌بایست به گونه‌ای باشد که به اسرار جامعه اسلامی آگاه نشوند و روابط با آنان به گونه‌ای دوستانه و گرم نباشد به گونه‌ای که شخص از آنان تاثیرپذیرد و موجبات خروج از صف مومنان فراهم آید. (مائده، آیه ۵۱) البته مسلمان می‌تواند از خوراکی اهل کتاب بهره برد و با آنان معامله داشته باشد (مائده، آیه ۵؛ زبده البیان، ج ۲، ص ۷۹۸) مسلمانان در روابط با اهل کتاب غیر عربی مأمور به عفو و مدار با آنان هستند (بقره، آیه ۱۰۹) ولی اگر اهل کتاب افراد استهزاگر باشند و عقاید و رفتار مسلمانان را به تمسخر گیرند، هر گونه معاشرت با آنان ممنوع است. (مائده، آیات ۵۷ و ۵۸) چرا که بغض و کینه برخی از اهل کتاب نسبت به مسلمانان خود مانع جدی در معاشرت و روابط دوستانه با آنان است. (آل عمران، آیات ۱۱۳ تا ۱۱۹)

۳. معاشرت با بدعت‌گذاران: در هر جامعه‌ای گروه‌هایی هستند که بر خلاف نص قانونی و رسمی، قوانین و مقررات دیگری را وضع می‌کنند که اینان به عنوان بدعت‌گذار شناخته می‌شوند. از نظر آموزه های قرآنی، هر گونه معاشرت با بدعت‌گذاران و قانون‌سازانی که به تخریب اعتقادات و گفتمان رسمی جامعه می‌پردازند ممنوع است. از این رو خداوند معاشرت با سامری را جایز ندانسته و برای قطع ارتباط وی با جامعه آن زمان، وی را تبعید کرده است. (طه، آیات ۸۸، ۹۵ و ۹۷) از آیه ۱۴۰ سوره نساء نیز برمی‌آید که معاشرت با بدعت‌گذاران و گناهکاران حرام و ممنوع است. (التیانی، ج ۳، ص ۳۶۲)

۴. معاشرت با بیگانگان: بیگانگان به معنای کافران و دشمنان، افرادی هستند که ارتباط با آنان می‌تواند جامعه اسلامی را با خطر مواجه سازد. از این رو خداوند هر گونه معاشرت و روابط دوستانه با بیگانگان را ممنوع و حرام کرده است. (آل عمران، آیه ۱۱۸) البته اگر شرایط اقتضا کند که روابط موجود باشد، این روابط هرگز نباید صمیمانه و دوستانه باشد به گونه‌ای که آنان از موقعیت و وضعیت و اسرار مسلمانان و جامعه اسلامی آگاه شوند؛ زیرا این گونه معاشرت‌ها می‌تواند زمینه ساز اخلاف در جامعه و نفوذ آنان در جامعه اسلامی باشد. (همان)

۵. معاشرت با خدمتکاران: در معاشرت با زیردستان و خدمتکاران افزون بر حفظ حریم‌ها و حرمت باید به این نکته توجه داشت که معاشرت نباید دور از احترام نسبت به آنان باشد. بنابراین، تلاش شود که معاشرت نیکو و همراه با احترام نسبت به آنان انجام گیرد. (یوسف، آیات ۱۷ تا ۲۱) از آیات ۶۰ تا ۶۴ سوره کهف بر می‌آید که خوردن غذا با خدمتکاران و بردگان امری ارزشمند است؛ زیرا بنابر برخی از تفاسیر مراد از جوان در این آیات خدمتکار حضرت موسی (ع) بوده است. در ادبیات عربی به شخص خدمتکار گرچه پیر باشد فتی و جوان خطاب می‌شود. (التیانی، ج ۷، ص ۶۸)

۶. معاشرت با خویشان: در معاشرت با خویشان مانند همه افراد دیگر، آنچه اساسی و اصل است، توجه به اعتقادات و اعمال است. بر این اساس، روابط با خویشان همانند هر گروه دیگر می‌بایست در این چارچوب تعریف و تنظیم شود. از خویشان کافر و ناپاب و فاسق پرهیز شود. هر چند که در آیه ۲۱ سوره رعد و ۲۶ سوره اسراء، بر معاشرت و همنشینی با خویشان تاکید و توصیه شده است، ولی در آیات دیگر این چارچوب مورد تاکید قرار گرفته است که نمی‌توان مدعی ایمان شد در حالی که با خویشان کافر و دشمن معاشرت داشت. (مجادله، آیه ۲۲) بنابراین، معاشرت با خویشان زمانی مطلوب و رواست که از اهل ایمان باشند. در این معاشرت‌ها نیز می‌بایست برخورد محترمانه و نرم و دلپذیر حتی با خویشانی داشت که خواهان چیزی از ارب می‌شوند (اسراء، آیات ۲۶ و ۲۸؛ نساء، آیات ۸ و ۹؛ توبه، آیه ۳۳) در معاشرت با خویشان مسلمان و مومن باید با نرمی و محترمانه برخورد کرد. اگر این خویشاوندی در سطح برادری باشد می‌بایست آداب به شکل بهتر و نیکوتری مراعات شود.

۷. معاشرت با جاهلان: جاهل در فرهنگ قرآنی به دو معنای فاقد عقل و فاقد علم آمده است. البته بیشترین کاربردهای این واژه نسبت به کسانی است که از عقل خویش بهره نمی‌گیرند و آن را دفن کرده اند. در اصول کافی باب عقل و جهل وضع شده تا جهل را در برابر عقل تبیین کند. از نظر قرآن، کسانی که ایمان نمی‌آورند، انسان‌های فاقد عقل و جاهل در برخورد با این افراد جاهل که مردمانی بد زبان و زشت کار هم هستند و هیچ گونه هنجارها را نمی‌پذیرند و به هیچ ارزش و آدابی پایبند نیستند، می‌بایست با خوش‌گفتاری، برخورد نیک و سعه صدر برخورد کرد. (مریم، آیات ۴۳ و ۴۷؛ قصص، آیه ۵۵) چنین شیوه ای می‌تواند هم آنان را بیدار کند و هم از شرور و آفات بی‌عقلی آنان در امان ماند. جاهلان علمی و عقلی، رفتارهای نامناسبی دارند، هر گونه کوتاهی در حوزه اخلاق علمی و رفتاری می‌تواند آنان را گستاخ‌تر کرده و زمینه بی‌احترامی به مومن را فراهم آورد. خداوند گاه به مومنان هشدار می‌دهد که به خدایان باطل جاهلان اهانت نکنند تا آنان به خداوند اهانت روا ندارند. در آیه ۶۳ سوره فرقان به مومنان توصیه می‌کند در پاسخ اهانت‌های کافران و جاهلان، با آنان دهن به دهن نشوند بلکه با احترام و گفتن سلام از آنها دوری گزینند و آنان را در موقعیتی قرار دهند که دیگر نتوانند به اهانت و توهین اقدام کنند.

۸. معاشرت با والدین (پدر و مادر): هر چند که در همه معاشرت‌ها اصل اساسی مبتنی بر اعتقادات است، ولی در روابط با والدین و معاشرت با ایشان، نکته ظریفی و یک استثنا و یک استثنا مورد توجه قرار گرفته است. به این معنا که حتی اگر والدین کافر بودند باید نسبت به آنان احسان روا داشته شود و کلمه و سخن آزار دهنده ای

چون اف به آنان گفته نشود. اما این بدان معنا نیست که انسان زمانی که این معاشرت موجب فریفتگی او به کفر آنان می‌شود و یا زمینه انجام فسق و مانند آن را فراهم می‌آورد در معاشرتش با پدر و مادر کافر و مشرک جانب احتیاط را مراعات کند. (توبه: آیه 23)

9. معاشرت با دوستان: دوستان به دو دسته خوب و بد تقسیم می‌شوند. از نظر قرآن انسان موجودی اجتماعی است و از نظر عاطفی نیازمند دوستانی است که با آنان معاشرت داشته باشد. اما می‌بایست در انتخاب دوست توجه داشته باشد و با هر کسی معاشرت نکند. در قرآن آمده است که انسان با دوستان مومن خود در قیامت نیز معاشرت خواهد داشت (زخرف، آیات ۶۶ و ۶۷) اما با دوستان ناباب باید ترک معاشرت کند؛ زیرا این معاشرت تاثیر جدی در سرنوشت و زندگی او خواهد گذاشت و سعادت و شقاوت او را تعیین می‌کند. (صافات، آیات ۳۰ تا ۵۷ و نیز فرقان، آیات ۲۷ تا ۲۹)

۱۰. معاشرت با زنان و جنس مخالف: هر چند که معاشرت با جنس مخالف به دو شکل محرم و نامحرم تعریف شده است، ولی در آیاتی از جمله ۲۳۹ و ۲۳۱ سوره بقره از مومنان خواسته شده تا در معاشرت با جنس مخالف از نامحرم، در چارچوب عرف پسندیده و شناخته شده جامعه اسلامی عمل شود. بر این اساس، هر گونه معاشرت بیرون از چارچوب عرف و معروف، ناروا دانسته شده است. از آنجا که معاشرت در حد اختلاط میان زنان و مردان زمینه ساز بی‌عفتی و فساد اخلاقی و جنسی می‌شود (احزاب، آیه ۵۳) از معاشرت‌ها و مراودات بی‌مورد نهی شده است. (یوسف، آیه ۳۰) و در صورت نیاز به معاشرت‌های معروف و شناخته شده، لازم است که همراه با حجاب و عفت باشد تا زمینه پاکیزگی و سلامت روح فراهم شود (احزاب، آیه ۵۳) و در هنگام سخن گفتن نیز به گونه‌ای عمل شود که تحریک آمیز نباشد و مرد و زن از هر گونه گفتار هوس‌انگیز و تحریک‌کننده اجتناب ورزند. (احزاب، آیه ۳۳) بنابراین، فرستادن جملات عاشقانه و پیام‌های کوتاه از طریق ابزارهای کنونی نیز که موجب تحریک جنسی و هوس‌انگیز می‌شود ناروا و حرام است. البته خداوند در آیاتی از جمله ۶۹ تا ۷۲ سوره هود و ۲۴ و ۲۹ سوره ذاریات معاشرت زنان با مردان در قالب پذیرایی و گفتگوی متعارف و پسندیده را جایز و روا دانسته است، ولی نباید هرگز در این معاشرت‌ها از حد نیاز و مجاز و عرف خارج شد.

۱۱. معاشرت با رهبران: در معاشرت با رهبران باید بسیار مراعات آداب کرد و از هر کاری که به دور از ادب و احترام باشد پرهیز کرد. خداوند توجه به آداب معاشرت و رعایت آن را در برخورد و دیدار با حاکمان و رهبران دینی که دارای جایگاه ویژه‌ای هستند لازم و ضروری دانسته است (حجرات، آیات ۲ تا ۷) و در آیه ۶۳ سوره نور نیز خواهان نگهداری حرمت و احترام رهبری جامعه اسلامی و مراعات آداب در معاشرت با آنان شده و آن را امری لازم و پسندیده و بایسته دانسته است.

۱۲. معاشرت با گناهکاران و بدکاران: هر گونه معاشرت با ظالمان و ستمگران ممنوع و حرام است. (انعام، آیه ۶۸) اما معاشرت با فاسقان امری ناخوشایند و مکروه است و اگر مومنی با فاسقی معاشرت دارد می‌بایست مراعات احتیاط و هوشیاری را کند؛ زیرا این معاشرت‌ها تاثیر منفی به جا می‌گذارد و آدمی را نسبت به هنجارشکنی بی‌تفاوت می‌سازد. (مائده، آیات ۲۵ و ۵۷ و ۵۹ و حجرات، آیه ۶) اما معاشرت با مجرمان و گناهکاران (نساء، آیه ۱۴۰) و نیز با منافقان و استهزاکنندگان مومنان حرام و ممنوع است. (همان)

۱۳. معاشرت با همسر: معاشرت با همسر می‌بایست در چارچوب مهر و محبت و مبتنی بر احسان و نیکوکاری باشد. (نساء، آیات ۱۹ تا ۲۱)

۱۴. معاشرت با مترفان: معاشرت با مترفان و روابط نزدیک با آنان مورد مذمت و ملامت خداوند در قرآن قرار گرفته است. (کهف، آیه ۲۸)

در آیات قرآن درباره معاشرت با گروه‌های دیگر اجتماعی نیز مطالبی بیان شده است که از جمله می‌توان به معاشرت با همسایگان و مهمانان و موارد دیگر اشاره کرد. از آنجا تفصیل کامل و جامع همه مطالب و مسائل این حوزه در این مقال نمی‌گنجد به همین مقدار بسنده می‌شود.